

کیفیت سنجی برنامه درسی بازنگاری شده رشته علوم تربیتی (آموزش ابتدایی) دانشگاه فرهنگیان (مورد مطالعه: استان کرمانشاه)^۱

مرزبان ادیب منش^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف، کیفیت سنجی برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان انجام شده است. پژوهش از نوع کمی و با روش توصیفی پیمایشی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه، دانشجویان سال اول و دوم رشته آموزش ابتدایی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بودند که جمعیت ۳۰۰ نفری را تشکیل می‌دادند و بر اساس جدول مورگان ۱۷۰ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته بود، برای برآورد روایی پرسش‌نامه، از روایی محتوایی و صوری استفاده شد. پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ در حد ۰/۹۴ تعیین گردید. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که هدف‌ها و محتوای برنامه درسی، تا حدودی توانسته‌اند نیازها و انتظارات دانشجویان را برآورده سازند؛ اما در ارتباط

با راهبردهای تدریس و ارزشیابی، نتایج حاکی از آن بود که این راهبردها نتوانسته‌اند نیازها و انتظارات دانشجویان را برآورده سازند که این امر در مورد عنصر ارزشیابی قابل ملاحظه‌تر است. **واژگان کلیدی:** کیفیت‌سنجی، برنامه درسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان.

۱- تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

۲- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان marzbanedib@yahoo.com

مقدمه

ارتقای کیفیت نظام تربیت‌معلم و افزایش مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های علمی، حرفه‌ای و تربیتی معلمان و روزآمد ساختن برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان و شیوه‌های یاددهی و یادگیری برای پرورش معلمان از جمله اموری هستند که در سند تحول بنیادین مورد توجه قرار گرفته‌اند. با تصویب سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تدارک سازوکارهای مناسب برای اجرای مطلوب آن مورد توجه مسئولان و سیاست‌گذاران نظام آموزش و پرورش قرار گرفته است. در این بین دانشگاه فرهنگیان نیز به‌عنوان متولی تعلیم و تربیت معلمان آینده نظام آموزشی کشور اقداماتی را در این راستا انجام داده است که از آن جمله بازنگری برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی و طراحی و تدوین برنامه درسی جدید بود که تاکنون دو بار و در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۹ این برنامه مورد تأیید شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفته و در حال حاضر در دانشگاه فرهنگیان جنبه عملیاتی و اجرایی به خود گرفته است. برنامه مذکور در راستای «بازمهندسی سیاست‌ها و بازتنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت‌معلم با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت ...» و «سند ملی برنامه درسی تربیت‌معلم» تدوین شده است. از آنجاکه در مبانی نظری سند تحول، نقش معلم در فرایند تربیت «کمک به بسط و توسعه ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و کسب شایستگی‌های موردنیاز برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه است» (صادق‌زاده و حسنی، ۱۳۹۶)؛ لذا هدف کلی برنامه درسی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی، توسعه ظرفیت حرفه‌ای مربیان به‌منظور خلق فرصت‌های یادگیری است که در آن امکان به‌کارگیری تجربیات شخصی و آزادی عمل یادگیرنده برای دستیابی به دانش پایه، پرورش مهارت‌ها، باورها و گرایش‌هایی که زمینه‌ساز عمل و تداوم عمل یادگیرنده در دستیابی به شایستگی‌های مورد انتظار در نظام آموزشی است، را فراهم می‌کند (اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۳). چرا که برنامه‌های درسی به‌عنوان قلب نظام‌های آموزشی نقش تعیین‌کننده و غیرقابل‌انکاری در راستای تحقق هدف‌ها و رسالت‌های آموزشی از نظر کمی و کیفی ایفا می‌کنند

(پارک و هاریس^۱، ۲۰۱۶). به عبارت روشن‌تر، برنامه‌های درسی آئینه تمام‌نمای میزان پیشرفت و انعکاسی از پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند (فتحی واجارگاه و شفیع، ۱۳۸۶).

باین‌وجود هنگامی که یک برنامه درسی به اجرا می‌آید انتظار این است که تأثیر آن با گذشت زمان افزایش یابد. معلمان و مدرسان با کسب تجربه قادر خواهند بود که با برنامه و روش تدریس جدید، خود را تطبیق دهند. فراگیران نیز آنچه را که برنامه درسی جدید از آنها انتظار دارد، فراگیرند (نیکخواه، لیاقتدار، ۱۳۹۷). دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نظامی که وظیفه تربیت و پرورش دانشجو معلمان متفکر، متعهد و خلاق را بر عهده دارد، نقش مهمی در توسعه، پیشرفت، تربیت نیروی انسانی متخصص و تولید دانش جدید ایفا می‌نماید. بنابراین اتخاذ راهبردهای کارآمد و اثربخش جهت توسعه کیفی برنامه‌های درسی در کنار توسعه کمی آن ضرورت دارد. از این‌رو، رشد کمی و کیفی دانشگاه فرهنگیان سبب گسترش و رشد نظام آموزش و پرورش خواهد شد. باین‌حال، آن‌گونه که در برنامه راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، مصوبه هیأت امنای دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۵) آمده است، اجرای برنامه درسی جدید تربیت‌معلم با چالش‌های متعددی از جمله مشارکت ناپسند عوامل و نهادهای سهیم و مؤثر در امر تربیت‌معلم، نگرش‌های ناهمخوان در توسعه و نوسازی تربیت‌معلم، محدودیت منابع و زیرساخت‌های دانشگاه با توجه به جایگاه و نقش آن در اعتلای نظام تعلیم و تربیت کشور، بی‌توجهی مدیران سطوح مختلف به دانشگاه، شکل‌گیری نگرش منفی به دانشگاه فرهنگیان نزد بخش قابل‌ملاحظه‌ای از واحدهای آموزش عالی کشور روبه‌رو بوده است (نیکخواه و لیاقتدار، ۱۳۹۷).

باین‌وجود، دانشگاه فرهنگیان در راستای اسناد بالادستی و تحقق هدف‌های توسعه‌ای کشور به‌ویژه سند تحول بنیادین، سند برنامه درسی ملی و برنامه‌های چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله رسیدن به قدرت برتر منطقه (به‌ویژه از لحاظ علمی) و پیشرفت‌های سریع علمی کشور، سیاست‌های جدیدی را در رابطه با برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان اتخاذ کرده است؛ لذا در

دانشگاه فرهنگیان، اساتید و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی باید در جستجوی راه‌هایی برای بهبود کارایی و کیفیت اجرای دوره‌ها و برنامه‌های درسی باشند. همسو نمودن برنامه‌های درسی متناسب با تحولات علمی و متناسب با نیازهای جامعه به‌نحوی که از این طریق دانشگاه فرهنگیان توانایی‌های دانشی و روشی خود را ارتقا داده و یادگیری متنوعی را برای کسب عادات و مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر برای دانشجویان فراهم کند، از ضروریاتی است که در دانشگاه فرهنگیان بایستی مدنظر قرار گیرد، چرا که کیفیت برنامه‌های درسی در هر نظام تعلیم و تربیت، آیینۀ تمام‌نمای کیفیت نظام آموزشی و پرورش آن جامعه قلمداد می‌شود. این امر بدان جهت است که تحقق هر آرمانی در آموزش و پرورش در گرو تحقق آن در معلم و نیروی انسانی است که به‌عنوان عامل اجرای آن آرمان‌ها، ایفای نقش می‌کند (وایلز^۱، ۲۰۱۲).

هرچند در دانشگاه فرهنگیان، کیفیت یک مفهوم تازه و بدیع نیست؛ اما در مباحث فعلی مربوط به سیاست‌گذاری برای توسعه و اصلاح آموزش عالی؛ این موضوع، به عامل تعیین‌کننده‌ای مبدل شده است. از این‌رو ایجاد زمینه لازم از سوی دست‌اندرکاران برای ارزیابی برنامه‌ها و تبدیل آنها به برنامه‌های درسی مناسب‌تر و مرتبط با نیازها، از وظایف عمده‌ای است که می‌توان به کمک آن جایگاه دانشگاه‌ها را در دنیای حاضر به‌عنوان پایگاه‌های اصیل دانش، پژوهش و توسعه حفظ نمود (عارفی، ۱۳۸۴). مؤسسات آموزش عالی باید با توجه نیازهای در حال تغییر جامعه ارزیابی‌های جامعی را از برنامه‌های موجود انجام داده و آن را در راستای پاسخگویی به نیازها و انتظارات ذی‌نفعان قرار دهند (بندیویدی؛ لیچمن^۲، ۲۰۰۷).

بنابراین بحث کیفیت‌سنجی برنامه درسی در دانشگاه یک نقطه ثابت و ایستا نیست، بلکه یک هدف، حرکت استراتژیک و وظیفه اسلامی است (هاردمن، داچی، لویس و آیبزور^۳، ۲۰۱۵) که دانشگاه فرهنگیان با آن مواجه است. این حرکت نیازمند برداشتن گام‌های اساسی است. از این‌رو، تجدیدنظر و اصلاح در ساختار، رسالت‌ها و هدف‌های نظام آموزشی برای ایفای نقش مؤثر دانشگاه فرهنگیان در

1. Wiles

2. Bandyopadhyay & Lichtman

3. Hardman, dachi, Louise, &, Ihebuzor

تولید دانش و پاسخگویی به نیازهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز و فردای ایران به‌عنوان رویکردی نوین در مدیریت و برنامه‌ریزی دانشگاه فرهنگیان باید مورد توجه جدی مسئولان و دست‌اندرکاران قرار گیرد. به‌طور کلی کیفیت برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان سهم مهمی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. در راستای توجه به همین امر، به چند مورد از پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته مرتبط داخلی و خارجی در این زمینه اشاره می‌شود.

نیکخواه و لیاقتدار (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی کیفیت اجرای برنامه درسی جدید آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان» انجام دادند. بر اساس نتایج پژوهش، رویکرد حاکم بر اجرای برنامه، بیشتر وفادارانه بوده است. میزان توجه به رویکردهای حاکم بر تدوین و بازننگری برنامه و میزان تأثیر برنامه در ایجاد شایستگی‌های الزام در حد کمتر از متوسط بوده است. گرچه هدف‌های برنامه به‌خوبی تدوین شده؛ اما در اجرا مشکلات متعددی وجود داشته است. محتوای آموزشی مطلوبیت آن‌چنانی نداشته است. بیشترین چالش‌ها و مشکلات اجرای برنامه، به نداشتن دانش و مهارت‌های آموزشگران برمی‌گردد و اینکه دانشگاه از نظر امکانات، تجهیزات و فضا در وضعیت مطلوبی قرار نداشته است. فرایندهای یاددهی - یادگیری و روش‌های مدیریت و نظارت بر اجرای برنامه نیز چندان مناسب نبوده است.

شکورزاده و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «کیفیت‌سنجی برنامه‌های درسی تحصیلات تکمیلی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی» در دانشگاه علامه طباطبایی انجام دادند. یافته‌های حاصل از پژوهش، در حیطه دانشجویان حاکی از آن است: هدف‌های برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، راهبردهای یاددهی یادگیری و راهبردهای ارزیابی برنامه درسی نتوانسته نیازها و انتظارات دانشجویان را برآورده نماید، و در حیطه اساتید عناصر راهبرد اجرایی و راهبرد ارزیابی تا حدی توانسته نیازها و انتظارات اساتید را برآورده کند و عناصر هدف و محتوا نتوانسته نیازها و انتظارات اساتید را برآورده کند. همچنین بین ویژگی‌های دموگرافیکی دانشجویان و اساتید تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

ساندرز^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان: «بررسی کیفیت برنامه درسی در آموزش عالی بین‌المللی در دانشکده باهاما»^۲ انجام دادند. نتایج نشان داد در فرایندهای آموزشی و ارزشیابی باید تفاوت‌های فردی دانشجویان، استفاده از منابع متعدد یادگیری و فعالیت‌های متنوع آموزشی مورد توجه قرار گیرد و باید راهبردهای ارزیابی مؤثری برای تعیین نتایج یادگیری دانشجویان وجود داشته باشد. تفاوت معناداری بین دیدگاه دانشجویان و اساتید در مورد اجزای متعدد برنامه‌ها مشاهده شد. تفاوت دیگر، اینکه اساتید در مورد کیفیت کلی برنامه‌ها، به‌وضوح نقش مهم بازخورد داخلی، سازمانی و همچنین ذی‌نفعان خارجی را در برنامه‌ریزی درسی خاطر نشان کردند.

سامر و دلین^۳ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان: «ابعاد کیفیت در آموزش عالی: عملکرد تحصیلی دانشجویان و تأثیر آن بر ارزشیابی» انجام داد. نتایج حاکی از آن است که چهار فاکتور اصلی شامل: توانایی اساتید؛ نگرش اساتید؛ مواد آموزشی دوره و محتوای دوره در این امر دخیل هستند. دانشجویان با معدل^۴ پایین عقیده داشتند که عملکرد اساتید ارشد (دارای مرتبه علمی بالا) نقش مهمی در بهبود محتوای دوره و کیفیت آموزش دارد. درحالی‌که دانشجویان دارای معدل بالا عقیده داشتند که کیفیت آموزش به‌وسیله تدوین محتوای بهتر افزایش می‌یابد.

لذا باتوجه‌به اینکه، نتایج پژوهش حاضر مشکلاتی زیادی برای برنامه درسی تربیت‌معلم قلمداد کرده‌اند و تغییر و بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه‌های فرهنگی نیز در این راستا برای کاهش مشکلات و چالش‌های موجود انجام شده است. همچنین باتوجه‌به موارد مطرح شده در سطور پیشین و به دلیل اینکه در حال حاضر متخصصان برنامه درسی و متولیان دانشگاه‌های فرهنگی در طرح بازنگری شده، برنامه‌های درسی دانشگاه‌های فرهنگی را مورد بررسی مجدد قرار داده‌اند، پژوهش حاضر درصدد این است که با ارزیابی برنامه درسی بازنگری شده رشته آموزش ابتدایی میزان کیفیت عناصر آن را از دیدگاه دانشجویان مشخص نماید؛ لذا بررسی

1 . Saunders

2 . Sojourner- Douglass Bahamas

3 . Sameer and Dalen

4 . Grade Point average

کیفیت عناصر برنامه درسی بازننگری شده (اهداف، محتوا، راهبردهای اجرایی و راهبردهای ارزیابی) رشته آموزش ابتدایی مسئله اساسی است که در این پژوهش سعی خواهد شد به آن پرداخته شود.

سؤالات پژوهش:

- ۱- کیفیت تنظیم اهداف برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟
- ۲- کیفیت تنظیم محتوای برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟
- ۳- کیفیت راهبردهای تدریس در رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟
- ۴- کیفیت ارزشیابی برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟

روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش از نوع توصیفی پیمایشی است که به بررسی دیدگاه دانشجویان در زمینه کیفیت‌سنجی عناصر برنامه درسی رشته علوم تربیتی (آموزش ابتدایی) دانشگاه فرهنگیان در راستای تحقق نیازها و انتظارات این دانشجویان پرداخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر، دانشجویان سال اول و دوم مشغول به تحصیل در سال‌های تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در دانشگاه فرهنگیان استان کرمانشاه بودند که جمعیت ۳۰۰ نفری را تشکیل می‌دادند. دانشجویان سال اول و دوم به این دلیل انتخاب شده‌اند که برنامه درسی جدید بازننگری شده ۱۳۹۹ برای آنها در حال اجرا بود. با توجه به اینکه واریانس جامعه یا درصد خطا را در اختیار نبود از جدول مورگان برای برآورد حجم نمونه استفاده شد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۴). از این جامعه آماری بر اساس جدول مورگان، ۱۷۰ نفر به عنوان کفایت حجم نمونه تعیین شدند و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، پرسش‌نامه تحقیق که به صورت محقق ساخته تهیه شده بود، در میان آنها توزیع گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته بود. این پرسش‌نامه دارای ۴۰ گویه بود که برای برآورد روایی پرسش‌نامه، از روایی محتوایی و صوری استفاده شد. پایایی پرسش‌نامه نیز از

طریق ضریب آلفای کرونباخ در حد ۰/۹۴ تعیین گردید. از آنجاکه بهترین مکان برای اجرای پژوهش باتوجهبه مجازی بودن فرایند تدریس در بستر مجازی بود؛ لذا با هماهنگی با کارشناسان آموزشی و مشاهده برنامه‌های کلاسی این دانشجویان، و با هماهنگی با استاد درس، در ده دقیقه ابتدایی یا پایانی کلاس اقدام به توزیع پرسش‌نامه‌های تحقیق در میان دانشجویان در دسترس در بستر مجازی گردید. در پژوهش حاضر، از میانگین، انحراف معیار، و آزمون‌های آماری فریدمن t تک نمونه، و t مستقل به‌منظور بررسی سؤال‌های تحقیق بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

۱- کیفیت تنظیم اهداف برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟

در جدول شماره ۱ که نتایج حاصل از پرسش‌نامه توزیع شده در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان است، وضعیت گویه‌های مربوط به عنصر هدف‌های برنامه درسی آموزش ابتدایی در تحقق انتظارات، نشان داده شده است. بر طبق یافته‌های جدول، بالاترین مقدار میانگین مربوط به سؤال شماره ۱۰ «تأکید بر پرورش استقلال کاری، قدرت تصمیم‌گیری، اعتمادبه‌نفس در دانشجویان» با ۳/۱۹، و پایین‌ترین میانگین مربوط به سؤال شماره ۷ «تأکید بر یادگیری مادام‌العمر، ایجاد شوق و انگیزه در دانشجو برای یادگیری مداوم» با میانگین ۲/۰۱ است. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که گویه شماره ۱۰ از بیشترین قابلیت در تحقق انتظارات و گویه شماره ۷ از کمترین قابلیت در زمینه تحقق انتظارات، از دیدگاه دانشجویان در این حیطه برخوردار بوده است. میانگین کل حیطه ۲/۶۴ و انحراف معیار آن ۱/۱۳ است.

در راستای بررسی وضعیت این عامل‌ها نسبت به یکدیگر و به لحاظ تعیین اولویت و رتبه‌بندی این عامل‌ها در تحقق انتظارات در عنصر اهداف برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی، از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل حیطه اهداف
برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی

ردیف	عامل‌های حیطه اهداف برنامه درسی	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه	خی دو
۱	تناسب داشتن هدف‌های برنامه درسی با نیازهای دانشجویان	۲/۷۷	۱/۱۵	۷/۵۰	*۲۶۶/۳۴۶ Sig: 0.000
۲	تناسب داشتن هدف‌های برنامه درسی با نظر متخصصین تراز اول در رشته	۲/۶۵	۱/۱۰	۷/۶۵	
۳	وجود توازن لازم بین هدف‌های آموزشی و پژوهشی	۲/۲۵	۰/۹۸	۵	
۴	شفافیت و صراحت هدف‌ها در حیطه آموزشی یا ارائه دانش	۲/۳۵	۱/۰۱	۶/۴۷	
۵	تأکید بر پرورش مهارت‌های سواد اطلاعاتی در دانشجویان جست‌وجو، تجزیه و تحلیل، سازماندهی، ارزیابی و استفاده درست اطلاعات	۲/۸۰	۱/۱۷	۶/۷۱	
۶	تأکید بر پرورش استقلال کاری، قدرت تصمیم‌گیری، اعتماد به نفس در دانشجویان	۲/۶۹	۱/۱۲	۷/۹۱	
۷	تأکید بر یادگیری مادام‌العمر، ایجاد شوق و انگیزه در دانشجو برای یادگیری مداوم	۲/۰۱	۰/۹۲	۶/۷۳	
۸	شفافیت و روشن بودن هدف‌ها در حیطه‌ی مهارت‌های تفکر (تفکر خلاق، انتقادی، قدرت تجزیه و تحلیل)	۲/۷۰	۱/۱۲	۵/۷۵	

۶/۵	۱/۲۹	۲/۹۹	شفاف و روشن بودن هدف‌ها در حیطه مهارت‌های ارتباطی و کار گروهی	۹
۱۰/۴۴	۱/۳۸	۳/۱۹	تأکید بر پرورش استقلال کاری، قدرت تصمیم‌گیری، اعتمادبه‌نفس در دانشجویان	۱۰
۷/۶۶	۱/۱۳	۲/۶۴	مجموع	
			$p < 0.05$ *	

نتایجی که در جدول شماره ۱ بیان شده است حاکی از آن است که بر اساس آزمون فریدمن (برای بررسی معناداری رتبه‌بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود)، با آماره $266/346$ در سطح $0/05$ معنی‌دار است ($p < 0/05$). بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، تأکید بر پرورش استقلال کاری، قدرت تصمیم‌گیری، اعتمادبه‌نفس در دانشجویان؛ شفاف و روشن بودن هدف‌ها در حیطه مهارت‌های ارتباطی و کار گروهی؛ تأکید بر پرورش مهارت‌های سواد اطلاعاتی در دانشجویان جست‌وجو، تجزیه‌وتحلیل، سازماندهی، ارزیابی و استفاده درست اطلاعات به‌عنوان عامل‌های دارای اولویت اول تا سوم در تحقق انتظارات در حیطه اهداف هستند و عامل «تأکید بر یادگیری مادام‌العمر، ایجاد شوق و انگیزه در دانشجو برای یادگیری مداوم» در رتبه آخر قرار گرفته است. همچنین، از آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین نمره حیطه اهداف برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی با معیار فرضی تعیین شده برای تعیین میزان تحقق نیازها و انتظارات از دیدگاه دانشجویان استفاده گردیده است. قابل‌ذکر است که در پژوهش حاضر باتوجه‌به پایین بودن میزان ارب، میانگین $2/5$ به‌عنوان تحقق مناسب نیازها و انتظارات تعیین شده که عدد بالاتر از آن به‌عنوان تحقق بالای نیازها و انتظارات دانشجویان از سوی اهداف برنامه درسی موردنظر قرار گرفته است.

جدول ۲: آزمون مقایسه میانگین نمره حیطه اهداف برنامه درسی در تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان با معیار فرضی تعیین شده (t تک نمونه)

شاخص آماری متغیر	میانگین متغیر	انحراف استاندارد	میانگین فرضی	درجه آزادی	مقدار t	Sig
اهداف برنامه درسی	۲/۶۴	۱/۱۳	۲/۵	۱۷۲	-۳۵/۴۴	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۲ در حیطه اهداف برنامه درسی، مقدار t مشاهده شده بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۱۷۲ است. با آزمون انجام شده، H_0 تأیید می‌شود و در نتیجه میانگین جامعه بزرگ‌تر از ۲/۵ است. بنابراین می‌توان گفت که دانشجویان بیشتر از معیار تعیین شده در تحقق مناسب نیازها و انتظارات از سوی اهداف برنامه درسی به حیطه مذکور نگرسته‌اند و به عبارت دیگر، حیطه اهداف برنامه درسی در تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان تا حدودی موفق بوده است.

۲- کیفیت تنظیم محتوای برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟

در جدول شماره ۳ که نتایج حاصل از پرسش‌نامه توزیع شده در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان است، وضعیت گویه‌های مربوط به عنصر محتوای برنامه درسی علوم تربیتی (آموزش ابتدایی) در تحقق انتظارات، نشان داده شده است. بر طبق یافته‌های جدول، بالاترین مقدار میانگین مربوط به سؤال شماره ۱۰ «تأکید سرفصل‌ها و محتوای انتخاب شده بر گنجاندن دروس اصلی و پایه به‌عنوان اصول و دانش بنیادین رشته» با ۳/۶۶، و پایین‌ترین میانگین مربوط به سؤال شماره ۲ «کاربرد بودن محتوا ارائه شده (ترکیبی هماهنگ از آموزش نظری و عملی)» با میانگین ۱/۸۸ می‌باشد. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که گویه شماره ۱۰ از

بیشترین قابلیت در تحقق انتظارات و گویه شماره ۱۲ از کمترین قابلیت در زمینه تحقق انتظارات، از دیدگاه دانشجویان در این حیطة برخوردار بوده است. میانگین کل حیطة ۲/۵۴ و انحراف معیار آن ۰/۶۹ می‌باشد. به‌منظور بررسی وضعیت این عامل‌ها نسبت به یکدیگر و به لحاظ تعیین اولویت و رتبه‌بندی این عامل‌ها در تحقق انتظارات در حیطة محتوای برنامه درسی رشته علوم تربیتی، از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل حیطة محتوای برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی

ردیف	عامل‌های حیطة محتوای برنامه درسی	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه	خی دو
۱	انطباق داشتن سرفصل دروس و محتوای انتخاب شده با نیازها و علایق کاری دانشجویان	۲/۴۶	۱/۰۸	۹	Sig: 0.000 * ۲۳۳/۶۷۸
۲	کاربردی بودن محتوا ارائه شده (ترکیبی هماهنگ از آموزش نظری و عملی)	۱/۸۸	۱/۸۵	۶/۲۳	
۳	انطباق داشتن سرفصل و محتوای انتخاب شده با هدف‌های آموزشی برنامه درسی	۳/۰۴	۱/۸۹	۱۰/۱۲	
۴	تأکید محتوای انتخاب شده بر ایجاد تجارب معنادار در دانشجویان	۲/۴۶	۱/۰۸	۹	
۵	وجود پویایی، انعطاف در سرفصل‌ها، و حرکت آنها بر روی به‌روزترین یافته‌های علمی	۲/۲۶	۰/۹۹	۸/۵۱	
۶	وجود تعادل لازم بین کمیت و کیفیت محتوای ارائه شده	۲/۰۱	۰/۹۲	۷/۳۷	
۷	تأکید محتوای انتخاب شده بر رشد نگرش‌ها و ارزش‌ها در دانشجویان	۳/۱۹	۱/۳۸	۱۰/۱۵	

۹/۱۹	۱/۰۶	۲/۴۶	تأکید محتوای انتخاب شده بر در نظر گرفتن ارتباط دانش حوزه رشته شما با حوزه‌های مرتبط رشته‌های دیگر	۸
۱۰/۰۴	۱/۲۰	۲/۹۶	تأکید محتوای انتخاب شده بر افزایش عمق دانش رشته شما در راستای تولید دانش جدید	۹
۱۱/۹۷	۱/۵۶	۳/۶۶	تأکید سرفصل‌ها و محتوای انتخاب شده بر گنجاندن دروس اصلی و پایه به‌عنوان اصول و دانش بنیادین رشته	۱۰
۹/۱۵	۱/۱۵	۲/۵۴	مجموع	
* $p < 0.05$				

نتایجی که در جدول شماره ۳ بیان شده است حاکی از آن است که بر اساس آزمون فریدمن (که برای بررسی معناداری رتبه‌بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره $233/678$ در سطح $0/05$ معنی‌دار است ($p < 0/05$). بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، تأکید سرفصل‌ها و محتوای انتخاب شده بر گنجاندن دروس اصلی و پایه به‌عنوان اصول و دانش بنیادین رشته؛ تأکید محتوای انتخاب شده بر رشد نگرش‌ها و ارزش‌ها در دانشجویان؛ تأکید محتوای انتخاب شده بر افزایش عمق دانش رشته شما در راستای تولید دانش جدید به‌عنوان عامل‌های دارای اولویت اول تا سوم در حیطه محتوای برنامه درسی از نظر تحقق انتظارات هستند و عامل «کاربردی بودن محتوا ارائه شده (ترکیبی هماهنگ از آموزش نظری و عملی)» در رتبه آخر قرار گرفته است.

در ادامه برای مقایسه میانگین نمره حیطه محتوای برنامه درسی رشته علوم تربیتی با معیار فرضی تعیین شده برای تعیین میزان تحقق نیازها و انتظارات از دیدگاه دانشجویان، از آزمون t تک نمونه استفاده گردیده است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر باتوجه به پایین بودن میزان اریب، میانگین $2/5$ به‌عنوان تحقق مناسب

نیازها و انتظارات تعیین شده که عدد بالاتر از آن به‌عنوان تحقق بالای نیازها و انتظارات دانشجویان از سوی محتوای برنامه درسی موردنظر قرار گرفته است.

جدول ۴: آزمون مقایسه میانگین نمره حیطة محتوای برنامه درسی در

تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان با معیار فرضی تعیین شده (t تک

نمونه)

شاخص آماري متغير	میانگین متغير	انحراف استاندارد	میانگین فرضی	درجه آزادی	مقدار t	Sig
محتوای برنامه درسی	۲/۵۴	۱/۱۵	۲/۵	۱۷۵	-۸۹/۳۹	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۴ در حیطة محتوای برنامه درسی، مقدار t مشاهده شده بزرگ‌تر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۱۸۲ می‌باشد. با آزمون انجام شده، H_0 تأیید می‌شود و در نتیجه میانگین جامعه بزرگ‌تر از ۲/۵ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که دانشجویان بیشتر از معیار تعیین شده در تحقق مناسب نیازها و انتظارات از سوی محتوای برنامه درسی به حیطة مذکور نگریسته‌اند و به‌عبارت‌دیگر، حیطة محتوای برنامه درسی در تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان تا حدودی موفق بوده است.

۳- کیفیت راهبردهای تدریس در رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق

با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟

در جدول شماره ۵ که نتایج حاصل از پرسش‌نامه توزیع شده در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان می‌باشد، وضعیت گویه‌های مربوط به حیطة راهبردهای تدریس برنامه درسی علوم تربیتی (آموزش ابتدایی) در تحقق انتظارات، نشان داده شده است. بر طبق یافته‌های جدول، بالاترین مقدار میانگین مربوط به سؤال شماره ۶ «وجود تحرک، اشتیاق و برانگیختن احساس نیاز به یادگیری، جهت حل مسائل علمی و تقویت روحیه تحقیق در دانشجویان، با میانگین ۳ و پایین‌ترین میانگین مربوط به

سؤال شماره ۹ «وجود فرصت‌هایی برای پرورش مهارت‌های ارتباطی و کارگروهی در دانشجویان با میانگین ۱/۹۹ می‌باشد. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که گویه شماره ۲ از بیشترین قابلیت در تحقق انتظارات و گویه شماره ۹ از کمترین قابلیت در زمینه تحقق انتظارات، از دیدگاه دانشجویان در این حیطة برخوردار بوده است. میانگین کل حیطة ۲/۳۴ و انحراف معیار آن ۱/۰۱ می‌باشد. به‌منظور بررسی وضعیت این عامل‌ها نسبت به یکدیگر و به لحاظ تعیین اولویت و رتبه‌بندی این عامل‌ها در تحقق انتظارات در حیطة راهبرد اجرایی برنامه درسی رشته علوم تربیتی، از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل حیطة راهبردهای تدریس برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی

ردیف	عامل‌های حیطة راهبردهای تدریس برنامه درسی	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه	خی دو
۱	ارائه طرح درس و شفاف‌سازی وظایف دانشجویان در طول ترم	۲/۶۰	۱/۱۳	۱۰/۰۹	*۲۵۶/۳۴ Sig: 0.000
۲	وجود هماهنگی و تناسب لازم میان فعالیت‌های یاددهی یادگیری با سرفصل دروس	۲/۸۹	۱/۱۷	۱۱/۹۰	
۳	استفاده از راهبردهای متنوع تدریس مانند سخنرانی، بارش مغزی، حل مسئله، بحث گروهی متناسب با نوع درس	۲/۳۱	۱/۰۴	۱۰/۷۵	
۴	وجود جو چالش‌برانگیز در فرایند یاددهی یادگیری و مشارکت فعال دانشجویان	۲/۰۶	۰/۸۶	۹/۸۹	

	۹/۲۳	۰/۸۵	۲/۰۲	وجود فرصت‌هایی برای پرورش مهارت‌های فکری مانند مباحثه، تفکر انتقادی، قدرت خلاقیت و ابتکار و ایده‌پردازی در دانشجویان	۵
	۱۱/۰۳	۱/۳۱	۳	وجود تحرک، اشتیاق و برانگیختن احساس نیاز به یادگیری، جهت حل مسائل علمی و تقویت روحیه تحقیق در دانشجویان	۶
	۱۰/۴۵	۰/۸۸	۲/۰۸	وجود تجارب یادگیری غنی (یادگیری چگونگی کاربرد موضوعات و انطباق آن با واقعیت‌های زندگی)	۷
	۸/۹۸	۱/۰۳	۲/۳۹	دادن بازخورد مناسب و به‌موقع درباره سطح و کیفیت تکالیف و ایجاد تناسب کمی و کیفی در تکالیف‌های تعیین شده (تمرین یا تحقیق)	۸
	۷/۸۹	۰/۸۹	۱/۹۹	وجود فرصت‌هایی برای پرورش مهارت‌های ارتباطی و کارگروهی در دانشجویان	۹
	۱۰/۰۸	۰/۹۵	۲/۱۵	سعی در درک نیازها و مسائل حرفه‌ای دانشجویان و برآوردن آنها	۱۰
	۱۱/۵۲	۱/۰۱	۲/۳۴	مجموع	

نتایجی که در جدول شماره ۵ بیان شده است حاکی از آن است که بر اساس آزمون فریدمن (که برای بررسی معناداری رتبه‌بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره $356/234$ در سطح $0/05$ معنی‌دار است ($p < 0/05$). بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده «وجود هماهنگی و تناسب لازم میان فعالیت‌های یاددهی یادگیری با سرفصل دروس؛ ارئه طرح درس و شفاف‌سازی وظایف دانشجویان در طول ترم، استفاده از راهبردهای متنوع تدریس مانند سخنرانی، بارش مغزی، حل مسئله، بحث گروهی متناسب با نوع درس» به‌عنوان عامل‌های دارای اولویت اول تا سوم در حیطه راهبرد اجرایی برنامه درسی از نظر تحقق انتظارات می‌باشند و عامل «وجود فرصت‌هایی برای پرورش مهارت‌های ارتباطی و کارگروهی در دانشجویان» در رتبه آخر قرار گرفته است. همچنین، از آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین نمره حیطه راهبرد اجرایی برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی با معیار فرضی تعیین شده برای تعیین میزان تحقق نیازها و انتظارات از دیدگاه دانشجویان استفاده گردیده است. قابل‌ذکر است که در پژوهش حاضر با توجه به پایین بودن میزان اربب، میانگین $2/5$ به‌عنوان تحقق مناسب نیازها و انتظارات تعیین شده که عدد بالاتر از آن به‌عنوان تحقق بالای نیازها و انتظارات دانشجویان از سوی راهبرد اجرایی برنامه درسی مورد نظر قرار گرفته است.

جدول ۶: آزمون مقایسه میانگین نمره حیطه راهبرد اجرایی برنامه

درسی در تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان با معیار فرضی تعیین شده

(تک نمونه)

شاخص آماره متغیر	میانگین متغیر	انحراف استاندارد	میانگین فرضی	درجه آزادی	مقدار t	Sig
راهبرد اجرایی	۲/۳۴	۱/۰۱	۲/۵	۱۶۴	۲۷/۱۴	۰/۰۰۰ ۰

بر اساس جدول ۶ در حیطه راهبرد اجرایی برنامه درسی، مقدار t مشاهده شده کوچک‌تر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۱۶۲ می‌باشد. با آزمون انجام شده، H_0 رد می‌شود و در نتیجه میانگین جامعه کوچک‌تر از ۲/۵ است. بنابراین می‌توان گفت که دانشجویان کمتر از معیار تعیین شده در تحقق مناسب نیازها و انتظارات از سوی یاددهی یادگیری برنامه درسی به حیطه مذکور نگریسته‌اند و به عبارت دیگر، حیطه راهبرد اجرایی برنامه درسی در تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان موفق نبوده است.

۴- کیفیت ارزشیابی برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی مقطع کارشناسی مطابق با نیازها از نظر دانشجویان در چه حدی است؟

در جدول شماره ۷ که نتایج حاصل از پرسش‌نامه توزیع شده در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان است، وضعیت گویه‌های مربوط به حیطه راهبردهای ارزیابی برنامه درسی علوم تربیتی (آموزش ابتدایی) در تحقق انتظارات، نشان داده شده است. بر طبق یافته‌های جدول، بالاترین مقدار میانگین مربوط به سؤال شماره ۷ «تأکید راهبردهای ارزیابی بر ایجاد انگیزه در دانشجویان و به تبع آن، تأثیر مثبت در یادگیری» با ۲/۹۳، و پایین‌ترین میانگین مربوط به سؤال شماره ۵ «تأکید راهبردهای ارزیابی از عملکرد دانشجویان بر تشخیص و اصلاح نقاط ضعف دانشجویان» با میانگین ۲/۰۰ است. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که گویه شماره ۷ از بیشترین قابلیت در تحقق انتظارات و گویه شماره ۵ از کمترین قابلیت در زمینه تحقق انتظارات، از دیدگاه دانشجویان در این حیطه برخوردار بوده است. میانگین کل حیطه ۲/۳۰ و انحراف معیار آن ۰/۹۶ است.

به‌منظور بررسی وضعیت این عامل‌ها نسبت به یکدیگر و به لحاظ تعیین اولویت و رتبه‌بندی این عامل‌ها در تحقق انتظارات در حیطه ارزیابی برنامه درسی رشته علوم تربیتی، از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل حیطه ارزیابی
برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی

ردیف	عوامل های حیطه راهبردهای ارزیابی برنامه درسی	میانگین	انحراف معیار	میانگین رتبه	خی دو
۱	آگاه‌سازی دانشجویان و اساتید از هدف و فلسفه نظام ارزشیابی	۲/۲۵	۱/۰۰	۵/۹۲	Sig: 0.000 *۱۲۳/۳۴۵
۲	وجود ساختاری دایمی در دانشگاه به‌منظور استمرار بخشیدن به ارزیابی برنامه‌های درسی	۲/۲۵	۱/۰۰	۵/۹۲	
۳	وجود سازوکاری برای آگاهی از نیازها و انتظارات کارفرمایان، در جهت آگاهی از نقاط ضعف و قوت برنامه‌های درسی	۲/۰۵	۰/۸۰	۵/۲۹	
۴	وجود سازوکاری برای آگاهی از نیازها و انتظارات دانشجویان در جهت آگاهی از نقاط ضعف و قوت برنامه‌های درسی	۲/۱۹	۰/۹۲	۶/۵۱	
۵	تأکید راهبردهای ارزیابی از عملکرد دانشجویان بر تشخیص و اصلاح نقاط ضعف دانشجویان	۲/۰۰	۰/۷۴	۵/۱۳	
۶	تأکید راهبردهای ارزیابی از عملکرد دانشجویان بر انطباق روش‌های ارزیابی با هدف‌های برنامه درسی	۲/۱۲	۰/۸۸	۶/۲۷	
۷	تأکید راهبردهای ارزیابی بر ایجاد انگیزه در دانشجویان و به‌تبع آن، تأثیر مثبت در یادگیری	۲/۹۳	۱/۲۲	۷/۱۹	
۸	تأکید راهبردهای ارزیابی از عملکرد دانشجویان بر پایایی روش‌های ارزیابی (ثبات نمره‌گذاری)	۲/۳۰	۱/۰۵	۵/۳۹	

۹	تأکید راهبردهای ارزیابی بر ایجاد سازوکاری جهت ارزشیابی صحیح و عادلانه از عملکرد دانشجویان	۲/۷۵	۱/۱۷	۷/۰۸
۱۰	تأکید راهبردهای ارزیابی بر استفاده از ارزشیابی مستمر و اکتفانکردن بر ارزشیابی پایان ترم	۲/۱۶	۰/۸۲	۶/۶۷
	مجموع	۲/۳۰	۰/۹۶	۵/۵۹
* $p < 0.05$				

نتایجی که در جدول شماره ۱ بیان شده است حاکی از آن است که بر اساس آزمون فریدمن (که برای بررسی معناداری رتبه‌بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره $123/345$ در سطح $0/05$ معنی‌دار است ($p < 0/05$). بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، «تأکید راهبردهای ارزیابی بر ایجاد انگیزه در دانشجویان و به‌تبع آن، تأثیر مثبت در یادگیری، تأکید راهبردهای ارزیابی بر ایجاد سازوکاری جهت ارزشیابی صحیح و عادلانه از عملکرد دانشجویان؛ و تأکید راهبردهای ارزیابی از عملکرد دانشجویان بر پایایی روش‌های ارزیابی (ثبات نمره‌گذاری)» به‌عنوان عامل‌های دارای اولویت اول تا سوم در حیطه ارزیابی برنامه درسی از نظر تحقق انتظارات هستند و عامل «تأکید راهبردهای ارزیابی از عملکرد دانشجویان بر تشخیص و اصلاح نقاط ضعف دانشجویان» در رتبه آخر قرار گرفته است.

همچنین، از آزمون t تک نمونه برای مقایسه میانگین نمره حیطه ارزیابی برنامه درسی رشته علوم تربیتی با معیار فرضی تعیین شده برای تعیین میزان تحقق نیازها و انتظارات از دیدگاه دانشجویان استفاده گردیده است. قابل‌ذکر است که در پژوهش حاضر با توجه با پایین بودن میزان اریب، میانگین $2/5$ به‌عنوان تحقق مناسب نیازها و انتظارات تعیین شده که عدد بالاتر از آن به‌عنوان تحقق بالای نیازها و انتظارات دانشجویان از سوی ارزیابی برنامه درسی موردنظر قرار گرفته است.

جدول ۸: آزمون مقایسه میانگین نمره حیطة ارزیابی برنامه درسی در تحقق نیازها و انتظارات دانشجویان با معیار فرضی تعیین شده (t تک نمونه)

Sig	مقدار t	درجه آزادی	میانگین فرضی	انحراف استاندارد	میانگین متغیر	شاخص آماری متغیر
۰/۰۰۰	-۱۸/۱۲	۱۷۲	۲/۵	۰/۹۶	۲/۳۰	ارزیابی برنامه درسی

بر اساس جدول ۸ در حیطة ارزیابی برنامه درسی، مقدار t مشاهده شده کوچک‌تر از مقدار t بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد و با درجه آزادی ۱۷۲ می‌باشد. با آزمون انجام شده، H_0 رد می‌شود و در نتیجه میانگین جامعه کوچک‌تر از ۲/۵ است. بنابراین می‌توان گفت که دانشجویان کمتر از معیار تعیین شده در تحقق مناسب نیازها و انتظارات از سوی ارزیابی برنامه درسی به حیطة مذکور نگریسته‌اند و به عبارت دیگر، حیطة ارزیابی برنامه درسی از نظر دانشجویان در تحقق نیازها و انتظارات موفق نبوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

برنامه درسی، جوهره هر نوع آموزش است که در ترکیب با روش‌های مؤثر تدریس، کارآمدی و اثربخشی نظام آموزش را تضمین می‌کند (پوزنر، ۲۰۱۴). از این رو، برنامه درسی باید متناسب با نیازهای یادگیرندگان و جامعه تدوین گردد و پاسخگوی تغییر و تحولات و نیازهای متناسب با این تحولات باشد. یکی از جنبه‌های مورد بحث در این زمینه، ارزیابی کیفیت برنامه‌های درسی است که در این راستا، پژوهش حاضر با هدف کیفیت سنجی برنامه درسی جدید رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر عناصر برنامه درسی: هدف‌های برنامه درسی، محتوای برنامه درسی، راهبردهای تدریس و راهبردهای ارزیابی برنامه درسی انجام شده است. یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش نشان داد که میانگین نمره اهداف برنامه

درسی در دانشجویان ۲/۶۲ با انحراف معیار ۱/۱۳ می‌باشد. بنابراین هدف‌های برنامه درسی توانسته تا حدودی نیازها و انتظارات دانشجویان را برآورده سازد. نتایج این بخش با پژوهش‌های نیکخواه و لیاقتدار (۱۳۹۷) همخوان و با پژوهش شکورزاده و همکاران (۱۳۹۳) ناهمخوان است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که رعایت اصول و روش‌های علمی برنامه‌ریزی درسی در تدوین هدف‌های برنامه درسی، از قبیل توجه به سلسله‌مراتب هدف‌ها، ارتباط آنها با هم و توجه به تمامی ابعاد هدف‌ها (دانش، مهارت، نگرش) در دستور کار برنامه‌ریزان درسی و تصمیم‌گیرندگان دانشگاه قرار گیرد، در این راستا پیشنهاد می‌گردد که مواردی از قبیل: تغییر جهت هدف‌های ارائه دانش تخصصی به ارائه مهارت‌های یادگیری در جهت توجه به استقلال کاری دانشجویان؛ مرتبط کردن برنامه‌های درسی با نیازها و علایق دانشجویان؛ بازنگری در برنامه‌ها و محتوای درسی رشته آموزش ابتدایی در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان بایستی مورد توجه جدی‌تر قرار گیرد. همچنین در راستای نتایج به‌دست‌آمده برای این بخش از سؤال پژوهش پیشنهاد می‌شود در هنگام طراحی و تدوین اهداف برنامه درسی در کنار توجه به شرایط ملی و بین‌المللی به شرایط منطقه‌ای هم توجه شود و به تمامی ظرفیت‌های موجود در تدوین برنامه درسی توجه گردد.

یافته‌های مربوط به سؤال دوم پژوهش نشان داد، میانگین نمره محتوای برنامه درسی در رابطه با دانشجویان ۲/۵۴ با انحراف معیار ۱/۱۵ می‌باشد. در نتیجه محتوای برنامه درسی نیز تا حدودی توانسته نیازها و انتظارات دانشجویان را برآورده سازد. نتایج این بخش با پژوهش‌های نیکخواه و لیاقتدار (۱۳۹۷) همخوان و با پژوهش شکورزاده و همکاران (۱۳۹۳) ناهمخوان است به‌هرحال در زمینه کیفیت محتوای برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی (آموزش ابتدایی) که مورد ارزیابی قرار گرفته است. موارد ذیل به طور نسبی مدنظر قرار گرفته است: به‌روز بودن سرفصل‌های دروس، همخوانی با نیازهای شغلی دانشجو معلمان، سازماندهی مناسب محتوای ارائه شده، رعایت شده است. اما لزوم انعطاف در ارائه دروس جهت توجه به نیازهای دانشجو و افزایش علاقه آنها؛ لزوم توجه به به‌روزترین یافته‌های علمی در تدوین سرفصل‌ها و ارائه محتوا؛ لزوم توجه به کاربردی کردن محتوا در عین توجه به مباحث

نظری؛ لزوم توجه به گنجاندن تمامی هدف‌های برنامه درسی در تدوین سرفصل‌ها؛ لزوم توجه به رویکردهای جدید سازماندهی محتوای برنامه درسی از قبیل سازماندهی بین رشته‌ای و.. مواردی هستند که در بخش محتوا بایستی مورد توجه جدی‌تر تصمیم‌گیرندگان قرار گیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود که در تدوین و طراحی محتوای برنامه درسی، تأکید بر پرورش همه‌جانبه فراگیران در ابعاد علمی، اجتماعی، اخلاقی و جسمی و پرهیز از هرگونه یک‌جانبه‌نگری در آموزش و پرورش در اولویت قرار گیرد.

یافته‌های مربوط به سؤال سوم نشان داد، میانگین نمره‌ها در دانشجویان ۲/۳۲ با انحراف معیار ۱/۰۱ می‌باشد. در نتیجه راهبردهای تدریس نتوانسته نیازها و انتظارات دانشجویان را برآورده سازد. نتایج این بخش با پژوهش‌های نیکخواه و لیاقتدار (۱۳۹۷) و با پژوهش شکورزاده و همکاران (۱۳۹۳) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که بدون ایجاد تحول جدی در روش‌های سنتی تدریس استاد محور که مشوق سکون و اطاعت و سکوت فراگیرنده هستند، آینده نهضت تولید علم با مانع جدی روبرو خواهد شد. در راهبردهای یادگیری؛ رضایت‌بخش بودن فرایند یاددهی یادگیری، دانشجو محوری در مقابل استاد محوری، روحیه پرسشگری و نقادی، توجه به نظام انگیزشی، توجه به علایق و نیازهای دانشجو معلمان؛ لزوم ایجاد کارگاه‌های آموزشی جهت آشنایی اساتید با روش‌های فعال تدریس، روش‌های مؤثر راهنمایی پروژه‌ها و نحوه ارتباط و تعامل با دانشجویان و روش‌های نوین ارزیابی از عملکرد آموزشی و پژوهشی دانشجویان؛ غلبه تفکر انتقادی و تحلیلی به جای تفکر توصیفی و ستایش‌گرایانه (شکورزاده و همکاران، ۱۳۹۳). تناسب لازم در نسبت بین تعداد دانشجو و استاد و رعایت استانداردهای لازم در خصوص ساعات تدریس اساتید، برخورداری از اعضای هیئت علمی به اندازه کافی، لزوم توجه به استفاده از رویکردهای فعال یاددهی یادگیری؛ همگی از جمله مواردی هستند که منجر به افزایش کیفیت فرایند مذکور می‌شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود که استفاده از روش‌های تدریس پیشرفته و فعال و ترک روش‌های منفعل سنتی از جمله سخنرانی در اولویت برنامه‌های دانشگاه فرهنگیان قرار گیرد.

یافته‌های مربوط به سؤال چهارم پژوهش نشان داد، میانگین نمره راهبردهای ارزیابی برنامه درسی دانشجویان $2/30$ با انحراف معیار $0/96$ می‌باشد. بنابراین راهبردهای ارزیابی برنامه درسی نتوانسته نیازها و انتظارات دانشجویان را برآورده سازد. نتایج این بخش با پژوهش‌های نیکخواه و لیاقتدار (۱۳۹۷) و با پژوهش شکورزاده و همکاران (۱۳۹۳) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که با توجه با اهمیت بحث ارزشیابی در دانشگاه فرهنگیان، ضروری می‌نماید که در بعد راهبردهای ارزیابی برنامه درسی مواردی از قبیل وجود سازوکاری مناسب جهت آگاهی از نیازها و انتظارات دانش‌آموختگان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان؛ استفاده از روش‌های متنوع و متعدد ارزیابی از عملکرد دانشجو معلمان؛ موردتوجه قرار گیرد. همچنین توجه به ارزشیابی‌های تکوینی و فرایندی، ارائه بازخوردهای کافی و کامل در مورد یادگیری دانشجو معلمان به‌طوری که امکان اصلاح و بهبود یادگیری میسر باشد؛ بهره‌مندی اساتید از دانش تخصصی در زمینه ارزشیابی اصولی و فرایند مدار از آموخته‌ها؛ آگاهی از نوآوری‌ها و تجارب جهانی در قلمرو بهبود کیفیت راهبردهای ارزیابی و اجرای آن متناسب با شرایط نظام آموزشی؛ لزوم استفاده از روش‌های متنوع ارزیابی مانند ارزیابی تشخیصی، تکوینی و پایانی با تأکید بر ارزشیابی تکوینی و دادن آگاهی‌های لازم از فرایند یاددهی یادگیری به دانشجویان در جهت اصلاح نقاط ضعف خود؛ اصلاح روش‌های ارزیابی از عملکرد اساتید و لزوم توجه به عملکرد همه‌جانبه اساتید (آموزشی، پژوهشی و ارائه خدمات) بایستی در دانشگاه فرهنگیان موردتوجه جدی‌تر قرار گیرد. دراین خصوص پیشنهاد می‌گردد که استفاده از روش‌های ارزشیابی جدید به‌منظور تعمیق یادگیری در فراگیران در اولویت قرار گیرد.

Quality Assessment of the Revised Curriculum of Educational Sciences (Primary Education) of Farhangian University (Case Study: Kermanshah Province)

The aim of this study was to evaluate the quality of the curriculum of primary education in Farhangian University. The research is quantitative and has been done by descriptive survey method. The study population was first and second year students of primary education in the academic year 1401-1400, which had a population of 300 people, and according to Morgan's table, 170 of them were selected as the sample size. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. Content and face validity were used to assess the validity of the questionnaire. The reliability of the questionnaire was determined by Cronbach's alpha coefficient of 0.94. The results of the present study according to the elements of the curriculum are as follows: The objectives and content of the curriculum have to some extent been able to meet the needs and expectations of students. However, in relation to teaching and evaluation strategies, the results showed that these strategies failed to meet the needs and expectations of students.

Keywords: Quality Assessment, Curriculum, Primary Education, Farhangian University.

منابع

- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۳). *اساسنامه دانشگاه فرهنگیان*. دانشگاه فرهنگیان.
- سرمد، ز؛ بازرگان، ع؛ و حجازی، ا. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. انتشارات آگه.
- عارفی، م. (۱۳۸۴). ارزیابی برنامه درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی) در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان. متخصصان و کارفرمایان. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۱(۱)، ۴۳-۷۵.
- فتحی و اجارگاه، ک؛ و شفیعی، ن. (۱۳۸۶). ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (آموزش بزرگسالان). *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۲(۵)، ۲۷-۱.
- صادق‌زاده قمصری، ع؛ و حسنی، م. (۱۳۹۶). *تبیینی از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران*. انتشارات شورای عالی آموزش و پرورش.
- قادری، ح؛ و شکاری، ع. (۱۳۹۳). ارزیابی کیفیت برنامه درسی گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان. *فصلنامه پژوهشی برنامه درسی خوراسگان*، ۱۱(۱۲) (۲). ۱۶۷-۱۳۲.
- شکور زاده، ر؛ ملکی، ح؛ و قصابی، م. (۱۳۹۳). کیفیت‌سنجی برنامه‌های درسی تحصیلات تکمیلی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰(۳۴). ۶۷-۱۰۰.
- نیکخواه، م؛ و لیاقتدار، م. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت اجرای برنامه درسی جدید آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان. *دوفصلنامه پژوهش در تربیت معلم*، ۱(۳)، ۱۳۰-۱۰۶.
- Bandyopadhyay, K & Lichtman, R. (2007). Six Sigma Approach to Quality and Productivity Improvement in an Institution. *International Journal of Management*, 24, 4, 802-807.
- Posner, G, J. (2014). *Analyzing the curriculum*, New York. MC.
- Sameer, V. (2016). Does the accreditation process affect program quality? A qualitative study of the higher education accountability system on learning. *ProQuest Information and learning Company*, 253.
- Saunders, Sh. T. (2017). Perceptions of quality in cross – border higher education at sojourner–Douglass Bahamas Campus.

Morgan state university. *ProQuest Information and learning Company*, 221.

Wiles, J; Bondi, J . (2012). *Curriculum Development; A Guide to practice*. New Jersey, Merrill and prentice hall, 6thed.

Parke, J & Harris, M. B. (2016). The purpose of a syllabus. *College Teaching*, 50, 55-62.

Hardman. F. Hardman & J, Dochi, H. Ihebuzor, N.(2015). Implementing school based teacher development in tanzania professional- development in Education, 41(4).623-603.

